

همگونی

«جلباب» قرآنی

و چادر مسدکی

(قسمت دوم)
حسین شهری رانده

■ **ز) جلباب و چادر پوشی، سیره عملی بانوان مسلمان**
 در تاریخ نقل شده است که پیامبر(ص) در بیماری که منجر به وفات حضرت شد، از ابوذر درخواست می‌کند که فاطمه زهرا(ع) را با خبر کند. ابوذر شیوه پوشش حضرت زهرا را این گونه گزارش کرده است. «فلبست جلبانها و خرجت؛^(۱) جلباب و چادر خود را پوشید و از منزل خارج شد.»
 همچنین یکی از حوادثی که بیانگر چگونگی حجاب حضرت فاطمه(ع) در بیرون از منزل و در برخورد با نامحرم است، نحوه و روش آمدن ایشان به مسجد برای دفاع از قضیه فدک است. در داستان غم‌انگیز غصب فدک آمده است:
 وقتی ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند حضرت را از فدک محروم کنند ایشان با شکل خاصی از حجاب و پوشش برای دفاع از حق

■ اشاره:

در قسمت نخست در باره مفهوم جلباب، اندازه، رنگ و کارکرد آن و نیز در باره مفهوم چادر، اندازه، رنگ و کارکرد آن سخن گفتیم و این دو را با هم مقایسه کردیم.
 در قسمت پایانی، ضمن پرداختن به اینکه پوشیدن جلباب و چادر سیره عملی زنان مسلمان بوده، به فواید آن نیز اشاره خواهیم کرد.

به نظر ما جلیب و عبائه همانندی بسیار نزدیکی با چادر مشکی دارد.

احتمالاً اینکه برخی از محققان گفته‌اند فاطمه زهرا چادری بافته شده و دوخته شده از لیف خرما داشته است،^(۱۰) ناظر به همین روایت است. از آن جایی که در روایت «شملة» (که تعبیری غیر از واژه‌های به کار رفته به عنوان مترادف جلیب است) به کار گرفته شده، مناسب است مقداری در باره آن توضیح داده شود.

«شملة» در زمان پیامبر(ص) نیز معمول بوده است. در تاریخ در موارد متعددی نقل شده است که افرادی مثل پیامبر و امامان(ع) از شمله استفاده کرده‌اند: «کان رسول الله (صلی الله علیه و آله) یلبس الشملة و یأثر بها»^(۱۱) از موارد فوق و همچنین دقت در ریشه لغوی «شملة»^(۱۲) آشکار می‌گردد که به معنای پوشش بلند و سرتاسری شبیه چادر و عبا بوده است که مردان و زنان از آن استفاده می‌کرده‌اند.

علاوه بر فاطمه زهرا(ع) ام‌کلثوم دختر حضرت علی(ع) نیز از جلیب و رداء که به معنای چادر هستند استفاده می‌کرده است.^(۱۳) علاوه بر حضرت فاطمه و ام‌کلثوم، همسران پیامبر از جمله عایشه نیز از پوشش عبا و چادر استفاده کرده‌اند. پس از ذکر مقدمه مختصری به بیان قضایای تاریخی که مؤید ادعا است می‌پردازیم: تردیدی نیست که اگر مردی دارای همسران متعدد باشد، همسران وجود یکدیگر را به سختی تحمل می‌کنند و از وجود شوهر در خانه همسر دیگر ناراضی هستند. این نکته در مورد همسران پیامبر(ص) و از جمله عایشه نیز صادق است. شاهد صدق این مدعا ذکر حوادث تاریخی در باره رفتار عایشه در خصوص رابطه همسران دیگر پیامبر با ایشان است. برخی از این حادثه‌ها را که به طور ضمنی نحوه پوشش عایشه را آشکار می‌نمایند بیان می‌کنیم.

روزی رسول خدا در خانه عایشه بود که ام‌سلمه ظرفی از غذایی را که تهیه دیده بود برای حضرت به خانه عایشه فرستاد. عایشه که این کار ام‌سلمه را پیش از این نیز دریافته بود در حالی که خود را به عبا پیچیده بود و سنگی در دست داشت سر رسید. سنگ را بر ظرف غذا کوبید و آن را شکست. رسول خدا که ناظر این کار بود، ظرفی از عایشه را به جای ظرف شکسته برای ام‌سلمه فرستاد.^(۱۴)

پیامبر(ص) معمولاً برای عبادت و نماز شب و راز و نیاز از رختخواب بیرون می‌آمد. در یکی از شب‌ها که نوبت عایشه بود پیامبر در خانه وی باشد، عایشه پس از گذشت مدت زمانی از شب متوجه شد پیامبر این بار نیز از رختخواب و خانه بیرون رفته است. عایشه که با حس زنانگی خود خیال می‌کند پیامبر قصد دارد به خانه همسران دیگر برود می‌گوید: «بی تأمل برخاستم و لباسم را پوشیدم. روسری خود را بر سر کرده، عبا را بر آن کشیدم و شتابان از خانه بیرون آمدم و به تعقیبش پرداختم»^(۱۵)

خویش از منزل به مسجد آمدند: «لانت خمازها علی رأسها و اشتملت بجلیبها و اقبلت فی لمة من حفدتها و نساء قومها تطأ ذیولها»^(۱۶) هنگام خروج از منزل مقنعه را محکم به سر بست و جلیب و چادر خود را به گونه‌ای به تن کرد که تمام بدن ایشان را پوشانده بود و گوشه‌های آن به زمین می‌رسید. در حالی که همراه گروهی از نزدیکان و زنان قوم خود بود به سوی مسجد حرکت کرد. در گزارش تاریخی دیگری نقل شده است: «تجلیبت و تبرقت ببرقعها و ارادت النبی»^(۱۷) وقتی می‌خواست از خانه خارج شود و نزد پیامبر برود از جلیب (چادر) و برقع (روپوش صورت) استفاده کرد. امام باقر(ع) به نقل از جابر بن عبدالله انصاری، نحوه پوشش حضرت را این گونه نقل کرده است:

«خرج رسول الله (صلی الله علیه و آله) یرید فاطمة (علیها السلام) و أنا معه فلما انتهیت الی الباب وضع یدیه علیہ فدفعه (فرعه) ثم قال: السلام علیکم، فقالت فاطمة: علیک السلام یا رسول الله قال: أدخل؟ قالت: أدخل یا رسول الله، قال: و من معی؟ فقالت: یا رسول الله لیس علی قناع، فقال: یا فاطمة خذی فضل ملحتک»^(۱۸) ففعلت»^(۱۹)

رسول خدا از خانه خارج شد و می‌خواست به خانه فاطمه زهرا برود. من (جابر) همراه حضرت بودم؛ هنگامی که به در خانه رسیدیم حضرت دست خود را بر در گذاشت و در را باز کرد و به فاطمه سلام کرد و ایشان نیز پاسخ سلام حضرت را داد، سپس حضرت فرمود: داخل شوم؟ فاطمه(ع) گفت: داخل شوید. پیامبر فرمود: آیا با کسی که همراه من است داخل شوم؟ حضرت فاطمه در جواب گفت: سرم برهنه است. حضرت فرمود: ای فاطمه، سرت را با مقدار اضافه چادرت بپوشان. او نیز این کار را کرد.

در مورد دیگری نقل شده است: «دعا رسول الله(ص) فاطمة(ع) فاجابته فی عباة...»^(۲۰) پیامبر خدا حضرت فاطمه را به حضور خواست و ایشان در حالی که عبا و چادر بر سر داشتند خدمت رسیدند.

همچنین روایت شده است: «ان علیاً استقرض من یهودی شعیراً فاسترهنه شیئاً فدفع الیه ملائمة»^(۲۱) فاطمه رهنما؛^(۲۲) حضرت علی(ع) از فردی یهودی خواست مقداری جو به او قرض بدهد. یهودی نیز از حضرت خواست چیزی رهن و گرو بگذارد. حضرت علی(ع) نیز چادر فاطمه زهرا را نزد یهودی رهن گذاشت.

محدث نوری ضمن بیان یک رخداد تاریخی، شیوه پوشش حضرت فاطمه را این گونه نقل کرده است: «لبست فاطمة شملة من صوف، قد خیطت اثنی عشر مکاناً بسعف النخل»^(۲۳) حضرت زهرا چادری از پشم پوشیده بود که دوازده قسمت آن با لیف خرما دوخته شده بود.

علاوه بر فاطمه زهرا(ع) و دیگر زنان اهل بیت پیامبر(ص) و همسران ایشان، زنان عرب نیز به پیروی از آنها از پوشش جلباب استفاده می‌کردند.

۳. «إن الحولاء كانت امرأة عطارة لآل رسول الله فلما كانت يوماً من الأيام أمرها زوجها بمعروف فانتهرته فأمسى وهو ساخط عليها. فلما أصبح قضيت (صلاتها) و تبرعت و أخذت على رأسها رداء و خرجت سائرة إلى دار رسول الله؛^(۲۱)

حولاء زنی بود که به خاندان رسول خدا عطر می‌فروخت. روزی همسرش او را امر به کاری درست کرد و حولاء از این کار ناراحت شد، در نتیجه شوهرش از دست او عصبانی گشت. وقتی صبح شد نمازش را خواند و با برقع (پوشش صورت) و رداء به سمت خانه رسول الله حرکت کرد.»

رداء به معنای جلباب و چادر است چون در بحث مفهوم و اندازه جلباب گفته شد که یکی از الفاظ مترادف جلباب «رداء» است، به همین دلیل ابن عباس شاگرد بزرگ امام علی(ع) در تفسیر قرآن در مورد معنی جلباب گفته است: «الرداء الذي تستر من فوق إلى اسفل».^(۲۲)

علاوه بر موارد بالا، نمونه‌های دیگری نیز در باره استفاده بانوان از پوشش چادر نقل شده است که بیان همه آنها باعث طولانی شدن کلام می‌گردد اما به عنوان نمونه به پوشش و حجاب چادری بانوان در برخی از دوره‌های تاریخ اسلام اشاره می‌کنیم. در مورد لباس زنان دوران خلفای راشدین تا پایان حکومت اموی (۱۱- ۱۳۲ ه.ق) نقل شده است که زنان در این دوران لباس سراسری که روپوشی چادرمانند بود بر تن می‌کردند. این چادر، سیاه‌رنگ بود همچون دوران پیامبر و یا نوعی طلیسان^(۲۳) کبودرنگ.^(۲۴)

در مورد لباس زنان دوران خلفای عباسی (۱۳۲- ۵۶۵ ه.ق) نقل شده است از حجابی که سرتاسر بدن را می‌پوشاند و معمولاً سیاه‌رنگ بود استفاده می‌کردند.^(۲۵) سیره اسلامی چادرپوشی بانوان در بسیاری از دوره‌های تاریخی دیگر نیز وجود داشته، گرچه طبیعی است پوشش، یک مقوله فرهنگی و برگرفته از آداب و رسوم اقوام مختلف و روحیه مدگرایی است، که به اقتضای تغییرات زمانی و مکانی در نوع، مدل و رنگ آن برخی تغییرات صورت پذیرد.^(۲۶)

با مطالعه کیفیت پوشش در تاریخ اسلام پی خواهیم برد که استفاده از پوشش کامل و حداکثری چادر مشکی در بین بانوان مؤمن و مسلمان (که اطاعت از خاندان وحی را افتخار خود می‌دانسته‌اند) به طور پیوسته به عنوان یک سیره اسلامی وجود داشته است. خاستگاه نخست پیدایش و گسترش این سیره اسلامی، الهام از آیه جلباب و بانوان خاندان اهل بیت همچون فاطمه زهرا(س)، ام‌کلثوم(س) و همسران پیامبر(ص) بوده است. در طول تاریخ زنان مؤمن و مسلمان با اسوه قرار دادن این الگوهای دینی، چادر مشکی را انتخاب کرده، در دوران مختلف تاریخ اسلام تاکنون از این سیره اسلامی دست برنداشته‌اند.

بنابراین از خود عایشه نقل شده که از پوشش جلباب استفاده می‌کرده،^(۱۶) همان گونه که در بحث جلباب از نظر مفهوم گفته شد یکی از معانی که برای جلباب در تفاسیر ذکر می‌شود، «عبائة» است و به نظر ما جلباب و عبائة همانندی بسیار نزدیکی با چادر مشکی دارد. از این رو می‌توان گفت پوشش عایشه شبیه چادر مشکی بوده اما در تاریخ نقل شده پس از رحلت پیامبر(ص) عایشه به شیک‌پوشی و استفاده از لباس‌های رنگارنگ روی آورد، به گونه‌ای که حتی در ایام حج (این عبادت بزرگ، که همه زرق و برق‌های مادی فراموش می‌گردد) از پوشیدن لباس‌های زیبا و رنگین دوری نمی‌کرد! «علامه عسکری» شواهد تاریخی متعددی در این باره بیان کرده است.^(۱۷)

علاوه بر فاطمه زهرا(ع) و دیگر زنان اهل بیت پیامبر(ص) و همسران ایشان، زنان عرب نیز به پیروی از آنها از پوشش جلباب استفاده می‌کردند که قضایای تاریخی زیر اثبات‌کننده این مدعاست:

۱. «قالت عائشة: جئت امرأة رفاعة القرظي رسول الله و أنا جالسة و عنده أبو بكر فقال: يا رسول الله! إني كنت تحت رفاعة فطلقني و بثت طلاقي فتزوجت بعده عبد الرحمن بن زيد و إنه والله ما معه يا رسول الله إلا مثل هذه الهدية و أخذت هدبة من جلبابها؛^(۱۸)

عایشه نقل کرده است: من و ابوبکر در حضور پیامبر خدا بودیم که همسر رفاعه قرظی نزد او آمد و گفت: ای رسول خدا، من زوجه رفاعه بودم، او مرا طلاق داد و با تکرار سه بار صیغه طلاق، طلاق مرا قطعی کرد. بعد از رفاعه به همسری عبد الرحمن بن زید در آمدم، حال آنکه به خدا قسم، او چیزی (=مردانگی) ندارد مگر مثل ریشة این چادر».

«دزی» مؤلف «فرهنگ البسه مسلمانان» پس از نقل قضیه فوق می‌گوید: به موجب آنچه جوهری در صحاح گفته جلباب همان ملحفه است و ملحفه به معنای چادر بزرگ است.

۲. «ثبت في الصحيح من حديث أم عطية أنها قالت: يا رسول الله! احذانا لا يكون لها جلباب فقال تلبسها اختها من جلبابها؛^(۱۹)

در روایت صحیح از ام‌عطیه ثبت شده است که از رسول خدا (به دنبال تأکید حضرت به حضور زنان در نماز عید) سؤال کرد: اگر یکی از ما زنان جلباب و چادر نداشت چکار کند؟ فرمود: باید خواهر دینی‌اش با جلباب و چادر خویش او را ببوشاند.»

علاوه بر این در برخی احادیث آمده است برای شرکت در نماز عید، زنان جلباب و چادر از یکدیگر عاریه و امانت بگیرند.^(۲۰)

فرهنگ
و اندیشه



لباس زنان دوران خلفای راشدین تا پایان حکومت اموی نقل شده روپوشی چادرمانند بود بر تن می‌کردند. این چادر، سیاه‌رنگ بود همچون دوران پیامبر و یا نوعی طیلسان کبودرنگ.

■ ح) بهره‌های چادرپوشی

چادر بهترین پوششی است که زن می‌تواند همه اندام خود را با آن بپوشاند و جلو هر گونه تحریک جنسی را بگیرد در حالی که پوشش‌هایی مانند ماتو این ویژگی را به صورت کامل ندارند، زیرا وقار و معنویت که در چادر مخصوصاً چادر مشکی هست در ماتو نیست.

ماتو حتی اگر بلند و گشاد باشد باز مقداری سبب نمایان شدن اندام و برجستگی‌های بدن می‌شود.

خانم «مرضیه حدیده‌چی» (دباغ) می‌گوید: وقتی [همراه امام خمینی] از فرانسه آمدم، ماتو شلوار تنم بود. در مهران پایم صدمه خورده بود و هنوز عصایی زیر دستم بود. با آن ماتو شلوار خدمت امام رسیدم تا از جنگ در منطقه مهران گزارش بدهم. ایشان فرمودند: «شما چادر ندارید؟ بگویم احمد برایتان یک چادر بخرد؟» گفتم، نه حاج‌آقا! چادر دارم اما چون به کوه می‌رفتم و اسلحه روی دوشم و فشنگ به کمرم و قمقمه به پهلویم آویزان بود، گاهی هم سه‌پایه تیربار را هم روی دوشم می‌گرفتم و از کوه بالا می‌رفتم، این بود که اگر چادر هم به سرم می‌کردم دیگر خیلی مشکل بود. فرمودند: «چادر برای زن بهتر است». من هم از همان جا آمدم و چادر سرم کردم و دیگر برنداشتم. (۲۸)

از آنجایی که حداقل حجاب شرعی بنا بر نظر مشهور فقها پوشاندن همه بدن به جز صورت و دست‌ها است، تردیدی نیست که چادر بهترین مصداق برای تحقق حدّ شرعی و اسلامی حجاب است؛ به همین دلیل برخی فقهای برجسته معاصر مثل امام خمینی (ره) در پاسخ نزدیک به ده استفتا و پرسش، تصریح کرده‌اند پوشیدن چادر بهتر است. (۲۹)

علاوه بر این، چادر بیش از هر پوشش دیگری بانوان را برای رو گرفتن در برابر نگاههای آلوده نامحرم توانا می‌سازد. روشن است در حجاب‌هایی مثل ماتو این ویژگی وجود ندارد. همچنین چادر زیبایی‌های جسمانی و مادی زن را می‌پوشاند و به او زیبایی معنوی و ملکوتی می‌دهد و باعث آرامش‌بخشی بانوان است و این واقعیتی است که حتی افراد بی‌حجاب به آن اعتراف کرده‌اند. حادثه تاریخی زیر اثبات‌کننده این ادعاست:

در زمان طاغوت زنی از کشور ترکیه (که در فسق و فساد بنام بود) برای اجرای یک نمایش به فرودگاه مهرآباد تهران وارد شد.



مطالعه سفرنامه‌های فرنگی (که در دوره‌های حکومت‌های مختلف به ایران سفر کرده‌اند) نیز به خوبی نشان می‌دهد که استفاده از حجاب و پوشش به ویژه چادر مشکی در بین زنان مسلمان از فرهنگ و ریشه تاریخی طولانی و گسترده برخوردار بوده است که به نقل یک نمونه تاریخی بسنده می‌کنیم:

«کلودانه» که در زمان مظفرالدین‌شاه قاجار در ایران به سر می‌برده است می‌نویسد:

به طور طبیعی و بنا بر عادت یک مرد اروپایی، من زنان را با کنجکاوی و در عین حال توجه بیشتری نگاه می‌کردم. البته فقط نگاه می‌کردم. بی‌آنکه چیزی ببینم! به نظر من زنان ایرانی، بیش از تمام کشورهای مشرق‌زمین مفید به حجاب‌اند و با دقت و وسواس، قد و بالا و چهره خود را می‌پوشانند. وقتی از منزل خارج می‌شوند سر تا پای خود را در چادر سیاه بزرگی که از پارچه‌ای نسبتاً لطیف اما بی‌هیچ زیبایی و ظرافتی درست شده است می‌پیچند. این چادر در قسمت بالا، یعنی در محلی که معمولاً صورت قرار دارد از هم باز می‌شود اما زن ایرانی دوست ندارد حتی چشمان خود را به کسی نشان دهد، به همین جهت نیز در جلوی چهره خویش، دستمال بلند سفیدی که بالای آن مشبک است، می‌آویزد... شما در کوچه و بازار، زنانی را مشاهده می‌کنید در حالی که خود را در چادر سیاه پیچیده‌اند و روپوشی سفید بر چهره آویخته‌اند، به راه خود می‌روند. این زنان زشت‌اند یا زیبا و پیرند یا جوان، معلوم نیست. این معمایی پیچیده در پرده در برخورد اول نوعی خشم آمیخته با کنجکاوی در مردان اروپایی به وجود می‌آورد... (۲۷)

حضور زنان با حجاب چادر مشکی در اصل پیروزی و ادامه انقلاب اسلامی نقش مؤثری داشته و دارد. بنابراین چادر مخصوصاً چادر مشکی بیان‌کننده دینداری، ملیت و انقلابی بودن بانوان مسلمان و حکایتگر استقلال فرهنگی بانوان ایرانی در زمینه پوشش است. چادر مانند پرچمی است که نشانه حیات اجتماعی اسلام است. مسئولیت و افتخار برافراشته نگه داشتن این پرچم بر دوش بانوان مؤمن و مسلمان است.

■ ط) ثمرات حجاب با چادر مشکی

۱- پوشانندگی بیشتر

عوامل مختلفی مانند نازک نبودن، گشاد بودن و نوع رنگ در تأمین پوشش بیشتر مؤثر هستند. در بین رنگ‌ها، رنگ‌های تیره و مشکی، در تأمین حجاب حداکثری بانوان در بیرون منزل مؤثر هستند، چون موجب پوشانده شدن بیشتر و مانع از دیده شدن آنها هستند.

چشم در تاریکی جایی را نمی‌بیند و پارچه یا پرده مشکی باعث پوشاندن بیشتر و بهتر است. به دلیل پوشانندگی بیشتر رنگ مشکی است که بانوان پاکدامن، هوشمند، مسلمان و مؤمن، رنگ لباس‌های رویی مانند چادر، مانتو و مقنعه را از رنگ‌های تیره مثل مشکی، قهوه‌ای و یا سرمه‌ای برمی‌گزینند و از رنگ‌های روشن و جذاب دوری می‌کنند تا اندام‌شان از چشم نامحرم پوشیده‌تر باشد. (۳۲)

علاوه بر این، رنگ مشکی پوشاننده رنگ‌های دیگر است و زیر آن هر لباس رنگی دیگری را که باشد می‌پوشاند. ضرب‌المثل معروف «بالا تر از سیاهی رنگی نیست» اشاره به همین واقعیت است که رنگ سیاه برترین رنگ‌ها است و تمام رنگ‌های دیگر در مقابل آن، رنگ می‌یازند.

قرآن مجید می‌فرماید: «يُغْشِي الْاَيْلَ النَّهَارِ» (۳۳) پرده سیاه و تاریک شب، روز روشن را می‌پوشاند.» در یکی از تفاسیر در ذیل آیه آمده است: ساکنان زمین پس از تحمل چند ساعت تاریکی و سرما طالب نور و گرما می‌شوند، که روز با نور و گرمای خود آنها را زیر پوشش گرفته و در آنان تحرک می‌آفریند. اما پس از تحمل چند ساعت گرما و رنج و کار و فعالیت روزانه، طالب سکون و آرامش شب می‌شوند و شب، ساکنان زمین را در چادر سیاه و مشکی خود می‌پوشاند. (۳۴)

جمعیت فراوانی به استقبال وی آمده بودند. یک روز که برای او برنامه گردش می‌گذارند، همین طور که در خیابان‌های تهران می‌گشت، زنی را با چادر می‌بیند و می‌گوید این زن چرا این طوری است. می‌گویند این خانم چادر به سر دارد. می‌گوید: می‌خواهم با او صحبت کنم. پیاده می‌شود و به آن زن می‌گوید: این چیه روی سرت انداختی؟ پاسخ می‌دهد: حجاب من است. می‌گوید: آیا می‌شود یک دقیقه به من بدهی تا به سرم بیندازم؟ پاسخ می‌دهد که نمی‌توانم چادرم را در انظار عمومی از سرم بردارم. اینجا نمی‌شود. می‌گوید: کجا می‌توانم این چادر را به سر کنم؟ پاسخ می‌دهد: باید جایی برویم که در دید نامحرم نباشیم. به جای مخصوصی می‌روند و خانم ایرانی چادرش را به آن زن می‌دهد که به برهنگی و فساد مشهور بود. چادر را بر سر می‌اندازد و می‌گوید: عکس من را بیندازید. تنها لحظه‌ای که در زندگی احساس آرامش کردم همین لحظه بود که در چادر بودم. عکس این خانم را با چادر در تمام مجلات زن زمان طاغوت منتشر کردند. (۳۰)

علاوه بر این چادر پوشش دینی، ملی و انقلابی بانوان مسلمان ایرانی است. همه به یاد داریم در دوران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بانوان مسلمان با چادر مشکی در راهپیمایی‌ها حضور یافتند. زنان در اوایل انقلاب و در بحبوحه پیروزی آن، با حجاب خویش، در قالب چادر مشکی، در راهپیمایی‌ها تصویری را خلق کردند که سوزهای برای تصویربرداران و عکاسان خارجی شد. یکی از عکاسان خارجی در توصیف آن می‌گوید: زنان ایرانی با چادر مشکی مانند دریایی بودند که رژیم شاه را بلعیدند. (۳۱)



لباس زنان دوران خلفای عباسی از حجابی که سرتاسر بدن را می‌پوشاند و معمولاً سیاه‌رنگ بود استفاده می‌کردند.

خداوند فرمود: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا»^(۳۵) پرده سیاه و تاریک شب را به منزله لباس و پوشش قرار دادیم. در این آیه، تاریکی شب به پرده و پوشش گسترده تشبیه شده است که همه اجسام را می‌پوشاند، همان گونه که جلیباب و چادر مشکی تمام بدن و لباس بانوان را در برخورد با نامحرم می‌پوشاند.

نکته جالب توجه این که برخی علما جلیباب را به چادر شب معنا کرده‌اند.^(۳۶) به نظر می‌رسد به دلیل دو ویژگی گستردگی در پوشش و رنگ مشکی (که در جلیباب (چادر مشکی) و پرده تاریک شب موجود است) جلیباب به چادر شب معنا شده است.

در روانشناسی رنگ‌ها آمده است: سیاه به معنای «نه» است.^(۳۷)

یک خانم پزشک روانشناس در تأیید نکته بالا گفته است: در روانشناسی رنگ‌ها چیز جالبی خواندم که وقتی انسان به یک چیز سفید نگاه می‌کند احساس می‌کند انگار به آن چیز نزدیک‌تر می‌شود اما وقتی چیز مشکی می‌بیند احساس می‌کند از او دور می‌شود. آن موقع من گفتم پس چه بهتر هر وقت یک مرد من را می‌بیند فکر کند که من دارم از او دور می‌شوم.^(۳۸)

تجربه زندگی روزانه نیز مؤید این واقعیت است که رنگ سیاه چشم را می‌زند و رنگ سفید چشم را جلا می‌دهد. با توجه به اینکه یکی از شرایط حجاب اسلامی این است که نگاه نامحرم را به خود جلب نکند، اگر بانوان چادر مشکی بپوشند که توجه بینندگان نامحرم را جلب نمی‌کند، بهتر است یا رنگ سفید که چشم‌ها را جلا می‌دهد و توجه را به آنها متمایل می‌سازد؟

رنگ مشکی اثر کاهش تحریک‌های روحی و روانی را دارد، چون رنگ صامت و غیر محرک است و واکنش مهمی در بیننده ایجاد نمی‌کند، از این رو یکی از بهترین ابزار کاهش واکنش‌های روانی است و نه تنها وسیله جلب توجه دیگران نمی‌شود بلکه به عدم توجه کمک می‌کند. به همین دلیل در هنگام برخورد با جنس مخالف و غیر محارم، استفاده از چادر مشکی، اثرات مطلوبی از نظر کاهش حالات و امیال جنسی دارد. خداوند در سوره نور ضمن آموزش حدود مراقبت‌های اولیه در شیوه رویارویی با غیر محارم در آخر آیه خطاب به زنان می‌فرماید:

سفرنامه‌های فرنگی (که در دوره‌های

حکومت‌های مختلف به ایران سفر کرده‌اند)

نیز به خوبی نشان می‌دهد که استفاده از

حجاب و پوشش به ویژه چادر مشکی در بین

زنان مسلمان از فرهنگ و ریشه تاریخی

طولانی و گسترده برخوردار بوده است.

«وَلَا يُضْرِبْنَ بِأَزْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»^(۳۹) نباید زنان پای خود را چنان به زمین بکوبند که صدای زینت‌آلاتشان شنیده شود (و سبب تحریک نامحرم گردد). بنابراین می‌توان گفت که چون حجاب و لباس‌های رنگارنگ سبب جلب توجه نامحرم و تحریک جنسی می‌گردد، مطلوب نیست اما چون حجاب و چادر مشکی باعث جلب توجه نمی‌گردد، رنگی مطلوب است.^(۴۰) معمولاً بانوانی که اعتقاد راسخ به لزوم پوشیدگی بیشتر در برخورد با نامحرم دارند رنگ مشکی را می‌پسندند زیرا این رنگ، بدن را بیشتر و بهتر می‌پوشاند.^(۴۱)

۲- نگاه‌شکنی

در روانشناسی رنگ‌ها گفته می‌شود رنگ سیاه نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی است. از این رو کسی که حجاب و چادر مشکی می‌پوشد، پیوسته جلوه و نمای خود را نفی می‌کند و خود را از نگاهها دور می‌دارد، یعنی فرد دارای حجاب و چادر مشکی، به نگاههای نامحرم می‌گوید: هیچ جایگاهی برای نگاه در من وجود ندارد. کاملاً از شما روی‌گردانم و نگاه شما به من به جز زیان حاصلی ندارد.

از سوی دیگر وقتی رنگ مشکی در کنار رنگ دیگری قرار می‌گیرد، تأثیر آن را تقویت می‌کند و خصلت آن رنگ را مورد تأیید قرار می‌دهد. اگر یک پنجره رنگین در کنار میز سیاهی قرار بگیرد، هر بیننده‌ای که به آن سو بنگرد نگاه او ناخودآگاه به طرف پنجره جلب خواهد شد و اصلاً به صفحه سیاه میز توجهی نخواهد کرد. رنگ سیاه میز خاصیت جلوه‌نمایی خود را نفی کرده، در عوض خاصیت رنگ پنجره را تقویت نموده، به همین علت وقتی خانمی چادر مشکی به سر می‌کند و در خیابان راه می‌رود، ناظری که از دور به او و اشیای رنگی اطراف مثل ماشین‌ها و مغازه‌ها نگاه می‌کند، بی‌اختیار اشیای رنگی نظر او را به خود جلب می‌کند. بسیاری از اوقات بیننده اصلاً به رنگ مشکی توجهی نمی‌کند و رد می‌شود. بنابراین بانوانی که می‌خواهند به بهترین شیوه، عفت و پاکدامنی خود را حفظ کنند و از نگاههای آلوده در امان باشند، از حجاب و چادر مشکی استفاده می‌کنند.^(۴۲)

چادر مشکی بدن بانوان را در مواجهه با نامحرم به طور یکنواخت و در عین حال به روش ساده و معمولی و به دور از تجمل می‌پوشاند.^(۴۳)

۳- مهارکننده تحریک‌های غریزه جنسی

خدا در هر یک از زن و مرد کشش و جاذبه‌ای به نام غریزه جنسی قرار داده است تا زن و مرد در کنار هم بتوانند کانون خانواده را گرم و پابرجا نگاه دارند و این نیرو و جاذبه درونی، مایه انس و الفت زن و مرد نسبت به یکدیگر گردد. از طرف دیگر برای اینکه فساد و تباهی در جامعه و خانواده ایجاد نگردد، خدا به هر یک از زن و مرد دستورها و احکام ویژه‌ای در باره حجاب و پوشش داده است تا خود را از نامحرم بیوشانند و نیروی جاذبه جنسی خود را برای خانواده خویش صرف نمایند.

قرآن مجید این واقعیت را که تاریکی و سیاهی شب باعث آرامش و سکون اما در مقابل، روشنائی روز باعث تحرک و فعالیت است، بیان کرده است:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا» (۴۶)
خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید و روز را روشنی‌بخش قرار داد.

در این آیه صنعت ادبی «احتیاج» به کار رفته است. «احتیاج» یعنی قرینه‌بندی به گونه‌ای که صدر و ذیل سخن، یکدیگر را کامل کنند. با توجه به قرینه‌بندی متقابل، مراد از آیه این می‌شود: خداوند شب را تاریک آفرید تا آرامش بگیرید و روز را روشن آفرید تا برای معاش برخیزید. (۴۷)

چه عاملی باعث می‌گردد بانوان مسلمان و مؤمن در بسیاری از کشورهای اسلامی همچون ایران، عراق، عربستان، مصر و ... به طور مستقل و جدا از هم و در عین آزادی عمل، حجاب و چادر مشکی را به عنوان پوشش مناسب در برابر مردان انتخاب کنند؟ آیا چنین انتخاب دسته‌جمعی جدا از هم، این مدعا را اثبات نمی‌کند که زن مسلمان به طور فطری و با تجربه خود، به آثار و خواص پوشش مشکی مثل آرامش‌بخشی آن و اینکه باعث برگشت نگاههای نامحرم از آنان می‌گردد، پی برده و تنها هنگام استفاده از این نوع حجاب، احساس آرامش خاطر می‌کند؟ نیز اضطراب روحی و روانی او به طور محسوسی کاهش می‌یابد؟ وحی قرآنی در طراحی تئوری جامع خود در باره حجاب اسلامی، از نکته فطری و روان‌شناختی یاد شده، به شکل بسیار زیبایی بهره گرفته است، با این توضیح که:

با توجه به خاصیت و فایده نگاه‌شکنی پوشش مشکی می‌توان گفت که حجاب و چادر مشکی بانوان در برخورد با نامحرم بهترین سدی است که دفع‌کننده جاذبه نیروی غریزی در زن و مرد نامحرم در جامعه است، زیرا از کشش‌های غریزی جلوگیری می‌کند و چون چادر مشکی، پوشش یک‌دست و معمولاً ساده است، از جلب توجه نامحرم به سمت زنان جلوگیری می‌کند.

در مقابل تردیدی نیست که استفاده زنان از لباس‌های رنگارنگ، یکی از ساده‌ترین و قوی‌ترین ارتباط‌های غیر کلامی است، به گونه‌ای که باعث توجه جنس مخالف گشته، به طور غیر آگاهانه و غیر ارادی، ارتباط دو طرفه بین دو جنس برقرار می‌کند، در نتیجه این ارتباط دو طرفه مقدار عظیمی از نیروی غریزه جنسی (که خداوند برای تشکیل و تحکیم خانواده قرار داده است) هدر می‌رود. (۴۳)

۴- آرامش‌بخشی

رنگ سفید و یا به طور کلی نور و روشنائی در انسان، حیوان و موجودات، آثار زیادی بر جای می‌گذارد اما رنگ سیاه و تاریکی نقطه مقابل آن است و آثار معکوسی در بر خواهد داشت؛ مانند تقابل و تناوب شب و روز که اثرات آنها از نظر تحرک و آرامش در انسان، ناهمگون و نقطه مقابل هم است.

تناوب شب و روز این فایده را دارد که هر یک، آثار وجود دیگری را در انسان و موجودات خنثی می‌کند و در حفظ اعتدال به او کمک می‌کند. این فرایند مخصوصاً در انسان (که در فعالیت عمومی خود حد و مرزی نمی‌شناسد و مانند حیوانات نمی‌تواند همگام و همقدم با مقتضیات طبیعت حرکت کند) برجسته و ملموس‌تر است چون با فرا رسیدن تاریکی شب و نبود نور، از فعالیت غیر طبیعی و اضافی روزانه او کاسته می‌شود و مجال آرامش و آسایش جسمی و روحی به او می‌دهد. (۴۵)

● «کلودانه» که در زمان مظفرالدین شاه قاجار در

ایران به سر می‌برده است می‌نویسد:

زن ایرانی دوست ندارد حتی چشمان خود را به کسی نشان دهد... شما در کوچه و بازار، زنانی را مشاهده می‌کنید در حالی که خود را در چادر سیاه پیچیده‌اند و روبندی سفید بر چهره آویخته‌اند، به راه خود می‌روند. این زنان زشت‌اند یا زیبا و پیرند یا جوان، معلوم نیست. این معمای پیچیده در پرده در برخورد اول نوعی خشم آمیخته با کنجکاوای در مردان اروپایی به وجود می‌آورد ...

فرهنگ
و اندیشه



به نظر می‌رسد که انتخاب رنگ مشکی برای عمامه سادات و فرزندان پیامبر نیز به اعتبار ویژگی احتشام و هیبت معنوی است. (۵۲)

علاوه بر این، رنگ مشکی رنگ ابهت است که برای مضطرب نمودن دشمن از آن استفاده می‌شود. ابومسلم خراسانی برای پیشبرد مقاصد نظامی خود، رنگ پرچم و لباس لشکریان را مشکی انتخاب کرد تا باعث رعب و وحشت لشکر رقیب گردد. (۵۳)

بنا به نوشته «مجمع الفریس» چاووشانی که در قدیم پیشاپیش مرکب شاهان حرکت می‌کردند و دورباش می‌گفتند، سیاه می‌پوشیدند تا مهیب نمایند و از همین روی به «چاووش» سیاهپوش گفته می‌شد.

کتاب لغت و فرهنگ برهان قاطع در برابر واژه سیاهپوش آورده است: شبگرد و عسس میربازار و میرشب را گویند و چاووش را نیز گفته‌اند و آن کسی باشد که در پیشاپیش پادشاه دورباش گوید و این جماعت در قدیم به جهت هیبت و صلابت و سیاست، سیاه می‌پوشیدند.

امروزه نیز لباس رسمی برخی شخصیت‌ها مثل قضات و وکیل‌ها خصوصاً در مراسم ویژه و رسمی غالباً مشکی و یا سرمه‌ای است. حتی ورزشکاران زمانی که در رژه رسمی شرکت می‌کنند غالباً کت و شلوار مشکی یا سرمه‌ای می‌پوشند. با توجه به همین ویژگی، استفاده بانوان از حجاب و چادر مشکی باعث نوعی والایی و هیبت معنوی در آنان می‌گردد، که سبب می‌شود مردان نامحرم در برخورد با آنان حریص گیرند.

به رغم وجود بهره‌ها و آثار متعدد ذکر شده برای حجاب مشکی، متأسفانه برخی مطبوعات به طور غیر منطقی با تمسک به شبهاتی، در سال‌های اخیر در جهت سست کردن پایه‌های حجاب اسلامی در ذهن زنان و بانوان، در نتیجه گسترش بدحجابی و بی‌حجابی گام برداشته‌اند. (۵۴)

**چادر مخصوصاً چادر مشکی بیان‌کننده
دینداری، ملیت و انقلابی بودن بانوان مسلمان
و حکایتگر استقلال فرهنگی بانوان ایرانی در
زمینه پوشش است.**

رعایت حجاب چشمی (چشم‌پاکی) به طور کامل برای بسیاری از مردان غالباً مشکل‌تر از حجاب بدنی زنان است زیرا رعایت کامل «چشم‌پاکی» نیازمند اراده بسیار قوی است که از ایمان مذهبی زنده و پویا برخاسته باشد تا به وسیله آن مردان بتوانند نگاه خود را از نامحرم بپوشانند. به نظر می‌رسد به دلیل سخت بودن رعایت کامل «چشم‌پاکی» از یک سو خداوند به مردان دستور «غض بصر = چشم‌پوشی» می‌دهد، یعنی مردان در هنگام برخورد با زنان باید چشم‌چرانی نکنند. (۴۸)

از سوی دیگر چون استفاده بانوان از حجاب مشکی، در کاهش و انصراف نگاه مردان بسیار مؤثر است، بدین ترتیب ارتباط معنایی مناسبی بین آیه جلّباب و آیه غض بصر ایجاد می‌گردد، به گونه‌ای که گویا خداوند با دستور غض بصر به مردان و فرمان دادن به زنان برای استفاده از چادر مشکی عملاً زمینه تحقق حجاب اسلامی را تا سر حد اعلا فراهم کرده است.

ه- وقار و هیبت معنوی

رنگ مشکی را تجار، پلیس‌ها و کشیشان روحانی بر تن می‌کنند تا نشانگر قدرت و اقتدار آنها باشد. افرادی که مایلند ظاهری سنت‌گرا و احترام‌برانگیز داشته باشند نیز از این رنگ در لباس‌های خود استفاده می‌کنند. (۴۹)

در برخی کتاب‌های مربوط به روانشناسی رنگ‌ها آمده: رنگ سیاه در بعضی موارد دلیل بر وقار و سنگینی و شیک‌پوشی است. (۵۰) رنگ مشکی نمایانگر قدرت و اقتدار است. (۵۱) خصوصیت دیگر رنگ مشکی آن است که باعث هیبت و تشخص است و ابهت بیشتری دارد. به دلیل همین خصوصیت غالباً حاکمان و بزرگان برای اظهار شکوه و جبروت خویش، از لباس‌های دارای رنگ مشکی استفاده می‌کنند.





زنان فاتح اورست در دیدار با مقام معظم رهبری

پوشیدن چادر مشکی نه تنها برای بانوان کراهت ندارد بلکه طبق نظر برخی مراجع تقلید، چادر مشکی بهترین نوع حجاب است.

چون پاسخ بسیاری از شبهات مطبوعاتی در زمینه حجاب، در مقالات ذیل داده شده است، از طرح دوباره آنها خودداری می‌کنیم. فقط مناسب است به شبهه کراهت چادر مشکی اشاره داشته باشیم. هنوز در برخی مطبوعات، کراهت داشتن چادر مشکی تبلیغ و ترویج می‌شود، اما لازم است تأکید کنیم پوشیدن چادر مشکی نه تنها برای بانوان کراهت ندارد بلکه طبق نظر برخی مراجع تقلید، چادر مشکی بهترین نوع حجاب است. (۵۵)

پی‌نوشتها:

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۸.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۸.

۳- رسول جعفریان، رسائل حجابیه، ص ۲۳۶، به نقل از صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۳.

۴- دزی مؤلف کتاب معتبر «فرهنگ البسه مسلمانان»، ص ۳۷۶، ملحقه را به چادر بزرگی که

زنان مشرق‌زمین هنگام خروج از خانه به سر می‌کردند معنا کرده است. وی به نقل از

سفرنامه ابن‌بطوطه در شرح چگونگی پوشش زنان شیراز آورده است: «یخرجن ملتحفات

فلا یظهر منهن شیء؛ پوشیده در چادر و برقع (حجاب چهره) بیرون می‌آیند به طوری که

چیزی از بدن دیده نمی‌شود» آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است مراد از ملحقه (که در

روایات مربوط به پوشش بانوان در نماز آمده) چادر است. ر.ک: صدف، خبرنگار اولین

نشست علمی عفاف، فرهنگ حجاب، بیم‌ها و امیدها، ص ۲، قم، مدیریت پژوهشی

جامعه‌الزهر، شهریور ۷۹.

فرهنگ
و اندیشه



۲۸

- ۵- کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵ کتاب النکاح، باب «الدخول علی النساء»، ص ۲۸۵ حدیث ۵.
- ۶- طبرسی، مکارم الاخلاق، فی آداب اللباس، ص ۱۰۶، «عباءة» در فرهنگ‌های لغت به معنای چادر است. «عباءة» در کشورهای عربی و از جمله در کشور ما به چادر عربی شناخته می‌شود.
- ۷- قبلاً به نقل از لغت‌نامه دهخدا گذشت که در فارسی «ملاءة» مترادف با معنای چادر است. «ملایه» غالباً در شهرهای شرق کشور الجزایر متداول است و نوعی از حجاب سنتی است که از یک چادر مشکی شبیه عبا تشکیل شده است. ر.ک: محبوبه یلنگی، مقاله «زنان در الجزایر»، مجله پیام زن، شماره ۵۹، بهمن ۷۵، ص ۵۵.
- ۸- بحارالانوار، ج ۴۳، باب ۳، روایت ۳۶.
- ۹- محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۲۷۴، روایت ۸.
- ۱۰- محمدتقی مصباح یزدی، جامی از زلال کوثر، ص ۹۳، تحقیق و نگارش محمدباقر حیدری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰.
- ۱۱- مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۲۶۳، روایت ۵ همچنین ص ۳۷۴، روایت ۸.
- ۱۲- (۱) «شعل: يدل علی دوران الشیء بالشیء و اخذة اناه من جوانبه من ذلک قولهم شعلهم الامر إذا عثمهم و منه الشملة و هی کساء یوتزر به و یشتعل»، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ماده شعل.
- (ب) «شملة: کساء یشتعل به»، طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۵ و ۶ ص ۴۰۴.
- (ج) «التحقیق: أن الأصل الواحد فی المادة هو إحاطة أمر علی شیء أو اشیاء بحیث یغطیه و ینطبق علیه و یلاحظ فیه جهة الإنطباع و هذا بخلاف العمومية و الإدارة و الإحاطة و بهذه المناسبة تطلق علی ثوب محیط أو کساء إذا احاطت صرعاً»، حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶ ص ۱۲۱، ماده شعل.
- (د) یکی از نویسندگان که در باره انواع لباس‌ها در اسلام، مطالعات و تحقیقاتی انجام داده، در معنای شمله گفته است: «ما یشتعل و یتحف به من الأکسیة»، الخطیب العدنانی، الملابس و الزینة فی الاسلام، ص ۱۹۵، مؤسسة الانتشار العربی، چاپ اول، ۱۹۹۹ م.
- ۱۳- «لبست (ام‌کلثوم) جلابیها و دخلت علیهن فی نسوة»، بحار، ج ۳۲، ص ۹۰، مؤسسة الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق. در نقل تاریخی دیگری آمده است. «خرجت ام‌کلثوم و علیها برقعة و تجز ذیلها متجلجلة برداء»، رسائل حجابیه، ص ۲۳۲، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱.
- ۱۴- سیدمرتضی عسکری، نقش عایشه در تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۷۸.
- ۱۵- همان، ص ۷۵.

در روانشناسی رنگ‌ها گفته می‌شود رنگ سیاه نشانگر ترک علاقه یا انصراف نهایی است.

- ۳۷ - دکتر ماکس لوشر، روانشناسی رنگ‌ها، ص ۹۷، ترجمه ویدا ابی‌زاده، انتشارات درسا، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۳.
- ۳۸ - دکتر زینب جلالی، حجاب از دیدگاه روانشناسی، ص ۱۱، قم، مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۹ - سوره نور، آیه ۳۱.
- ۴۰ - دکتر احمد صبور اردوبادی، آئین بهزیستی اسلام، ج ۲، خودآرایی (رنگ پوشاک)، ص ۱۴۶، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، زمستان ۱۳۶۸.
- ۴۱ - محمدمصطفی مختار، حجاب در نگاه نو، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۱۸۸.
- ۴۲ - حجت‌الله رحمانی، اعجاز رنگ سیاه (چرا چادر مشکی)، هفته‌نامه فیضیه، ص ۳، دوشنبه ۷ آذر ۷۹.
- ۴۳ - سیدمجتبی هاشمی رکاوندی، مقدمه‌ای بر روانشناسی زن (با نگرش علمی و اسلامی)، ص ۲۱۱ (با دخل و تصرف)، قم، انتشارات شفق، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ۴۴ - علی محمدی، فلسفه حجاب، ص ۶۵.
- ۴۵ - آئین بهزیستی در اسلام، ج ۲، ص ۹۷.
- ۴۶ - سوره غافر، آیه ۶۱.
- ۴۷ - مجله حوزه، ص ۱۳۵ - ۱۳۴، شماره ۴۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۹.
- ۴۸ - «قُلْ لِلْفُؤْمِنِينَ يَنْصُرُوا مِنْ أَنْصَارِهِمْ...» (سوره نور، آیه ۳۰)، برای آگاهی در باره معنای غرض بصر، رک: استاد مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۴۱ - ۱۳۷.
- ۴۹ - موارد و دوروتی سان، زندگی با رنگ، روانشناسی و درمان با رنگ‌ها، ص ۱۳۷، ترجمه نغمه صفاریان پور، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات حکایت، چاپ اول ۱۳۷۸.
- ۵۰ - مهندس ناصر فرزنان، رنگ و طبیعت «دانش رنگ‌ها»، ص ۴۲، تهران، چاپ اول ۱۳۷۵.
- ۵۱ - مقاله «از دنیای رنگ‌ها تا دنیای انسان‌ها»، مجله زن شرقی، شماره ۲۲، ص ۱۱، دی ماه ۱۳۸۳.
- ۵۲ - سیاهیوشی در سوگ ائمه نور، ص ۳۷.
- ۵۳ - محمدامین حجتی، اثرات تربیتی رنگ، ص ۱۹، قم، نشر جمال، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.
- ۵۴ - برای آشنایی با عملکرد برخی مطبوعات در زمینه پخش شبهات به عنوان نمونه، رک: (مقاله «چادر مشکی» (کاوشی نو در آیه جلیب و نقد ادله مخالفان)، مجله اشراق اندیشه، شماره ۹، اسفند ۱۳۸۰.
- (ب) مقاله «فقر روش و بیش در بعضی مقالات مربوط به حجاب»، کتاب آسیب‌شناسی مطبوعات، دفتر اول، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.
- (ج) مقاله «هم‌اندیشی منطقی با جوانان در باره لباس»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۹ و ۲۱ شهریور ۸۰ و هفته‌نامه پرتو سخن، ۱۶، ۲۳، ۳۰ آبان ۱۳۸۰.
- (د) مقاله «آیا پوشش مشکی برای بانوان کراهت دارد؟»، هفته‌نامه پرتو سخن، ۵ تیر ۱۳۸۱.
- (ه) مقاله «چادر مشکی حجاب برتر»، مجله صبح اندیشه، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.
- (و) مقاله «دفاع غیر حقوقی از جرم مشهود بدحجابی»، روزنامه رسالت، ۳ تیر ۱۳۸۳.
- (ز) مقاله «دفاع غیر منطقی برخی مطبوعات از مسئله بدحجابی»، روزنامه رسالت، ۶، ۷، ۸ تیرماه ۱۳۸۳.
- همچنین برای مطالعه و آگاهی در مورد بسیاری از مقالات یاد شده می‌توانید به آدرس اینترنتی مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه رجوع کنید.
- Http://WWW.Andishe.com
- ۵۵ - حضرت آیت‌الله میرزا جواد تبریزی اخیراً در رساله‌ای با عنوان «رساله مختصره فی لبس السواد» در سند و دلالت این احادیث اشکال کرده‌اند، رک: ص ۱۹ - ۷ رساله فوق. همچنین برای آگاهی در باره ضعف سندی و دلالت این احادیث، رک: حجاب‌شناسی - چالش‌ها و کاوش‌های جدید، ص ۸۷ - ۷۷، مقاله «آیا پوشش مشکی برای بانوان کراهت دارد؟»، هفته‌نامه پرتو سخن، ۵ تیر ۸۱.

- ۱۶ - حاج شیخ قوام وشنوی، تحقیقی از دیدگاه قرآن و روایات بر حجاب اسلامی، ص ۱۳۱، ترجمه احمد محسنی گرگانی، بازنویس محمدحسین حقیقو، قم، انتشارات پیام اسلام.
- ۱۷ - نقش عایشه در تاریخ اسلام، بحث شیک‌پوشی در زندگانی عایشه، ج ۲، ص ۲۳۳ - ۲۳۱، تهران، مجمع علمی اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۳. ش
- ۱۸ - ابی‌عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۲۵، بیروت، دار المعرفه.
- ۱۹ - شوکانی، فتح‌القدیر، ج ۴، ص ۲۹۴، ذیل آیه جلیب؛ شیخ محمدصالح بن عثمان، رساله الحجاب، مجموعه رسائل فی الحجاب و السفور، ص ۹۲.
- ۲۰ - النسائی، السنن الکبری، ج ۱، ص ۵۴۳، این حزم، المحلی، ج ۴، ص ۱۹۹.
- ۲۱ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، کتاب النکاح، ص ۲۳۹، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، بیروت، ج دوم، ۱۴۰۴. ق.
- ۲۲ - زمخشری، تفسیر کشاف، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب.
- ۲۳ - لفت‌نامه دهخدا، طلیسان را به چادر معنی کرده است. رک: ص ۶۶۹۲ - ۶۶۹۰ واژه چادر.
- ۲۴ - دکتر محمدرضا چیت‌ساز، تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، ص ۹۷ - ۳۷.
- ۲۵ - همان.
- ۲۶ - همان.
- ۲۷ - مجله حدیث زندگی (ویژه عفاف)، مرداد و شهریور ۸۱، ص ۷۰، حجاب و عفاف زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی، انتخاب و گردآوری: سعید مهربانی.
- ۲۸ - سیدمحمد دلال موسوی، با سوده‌ها، مجله حدیث زندگی (ویژه عفاف)، مرداد و شهریور ۸۱، ص ۶۱.
- ۲۹ - استفتانات حضرت امام خمینی، ج ۳، ص ۲۵۸ - ۲۴۱، همچنین رک: پیوست آخر کتاب استفتانات.
- ۳۰ - بررسی شبهات حجاب، ص ۱۲، قم، نشر مدیریت تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۳۱ - روزنامه شرق، ۱۸ دی ۱۳۸۳.
- ۳۲ - علی ابوالحسنی (منذر)، سیاهیوشی در سوگ ائمه نور (علیهم‌السلام)، ص ۳۱.
- ۳۳ - سوره اعراف، آیه ۵۴، همچنین سوره رعد، آیه ۳.
- ۳۴ - دکتر سیدمحمدباقر حجتی، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، تفسیر کاشف، ج ۴، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۸.
- ۳۵ - سوره نبا، آیه ۱۰، همچنین «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِيَأْسَ»، سوره فرقان، آیه ۴۷. علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه ۱۰ سوره نیا گفته است: «لباس‌آبی ساترا یستر الاشیاء بما فيه من الظلمة الساترة للمبصرات كما یستر اللبائس البدن»، و در ذیل آیه ۴۷ سوره فرقان می‌گوید: «کون اللیل لباساً إنما هو ستره للانسان بغشیان الظلمة كما یستر اللبائس لالبسه»، مرحوم طبرسی (ره) در ذیل آیه ۱۰ سوره نیا گفته است: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَأْسَ» ای غطاء و ستره یستر کل شیء و بظلمته و سواده».
- ۳۶ - میرمحمدحاشم مجتهد مرندی خوبی در رساله «صواب الخطاب فی اتقان الحجاب»، چاپ شده در رسایل حجابیه، گردآوری آقای جعفریان، ص ۱۸۵.